

معلم معنوی آزادگان

سرمقاله | صفحه ۲



انتشار تقریظ رهبر معظم انقلاب
بر کتاب «پاسیاد پسر خاک»
روایتی از زندگی و مجاهدت های
حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی

صفحه ۴





معلم معنوی آزادگان

سرمقاله



حجت الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی از فعالان انقلاب اسلامی در عرصه مبارزات و از رزمندگان دفاع مقدس است که در سال ۱۳۵۹ به اسارت دشمن بعثی درمی آید. ایشان به مدت ده سال در اردوگاه های عراق در اسارت به سر می برد و به دلیل کمک رسانی به سایر اسرا، به ایشان لقب «سید آزادگان» را می دهند.

«سالهای مجاهدت خاموش و دشوار آزادگان عزیز ما در اسارتگاه های عراق، از جمله ی مقاطع فراموش نشدنی تاریخ پُرشکوه ما است. لحظه لحظه ی آن روزها و شبهای فراموش نشدنی، سرشار از درس و خاطره و افتخار است... و یادگرامی عالم مجاهد بزرگوار، مرحوم حجت الاسلام آقای سیدعلی اکبر ابوترابی - که اردوگاه های اسارت را به مدرسه ی بزرگی از تقوا و آگاهی و استقامت تبدیل کرده بود - همواره در چشم ملت ایران گرامی و پایدار است.» ۱۳۸۱/۵/۲۴

رفتار ایشان به گونه ای بود که «در میان آزادگان، معلم معنوی آنها مرحوم ابوترابی» ۱۳۸۲/۹/۲۵ بود. «آدم وقتی این جوانان را می بیند که با چه بی تابیی این مدت را گذرانده و به ایشان مراجعه کردند و ایشان هم نرم و ملایم و دلنشین برخورد کرده و هر کسی را به فراخور حال خودش جواب داده و همه را به جای خود نشاند و ملاحظه شان را کرده است، متوجه می شود که به چنین انسان مسئولی چه گذشته است.» ۱۳۶۹/۶/۲۵ در واقع، «باید بگوییم که بلا تشبیه مثل حضرت زینب سلام الله علیها رفتار کرده است. در دوران اسارت، آن بزرگوار واقعاً همین طور بوده است؛ یعنی رکنی بوده که همه به او پناه می بردند. خیلی سخت بوده است.» ۱۳۶۹/۶/۲۵ لذا ویژگی مهم آقای ابوترابی همین پناه بودن برای جوانان اسیر در زندان های عراق بوده است. رهبر انقلاب این گونه از اهمیت نقش ایشان یاد می کنند: «من میدانم در این دوران ده ساله ی اسارت، که شما ملجأ این جوانان بودید و به شما مراجعه میکردند، به شما چه گذشته است. واقعاً در زندان این گونه است، البته محیط اسارت با محیط زندان خیلی فرق دارد؛ قاعداً بدتر از زندان است. زندانبانان [محیط اسارت] کسانی هستند که مردن زندانی برایشان اصلاً اهمیتی ندارد. آن وقتها ما که در زندان بودیم، این زندانبان مأمور بود که نگذارد ما بمیریم؛ اگر هم میخواستیم بمیریم، او نمیگذاشت! این، برایشان وظیفه بود. اما در محیط اسارت، این طور نیست؛ چنانچه واقعه ی مختصری اتفاق بیفتد، ممکن است با تیر بزنند و بکشند. آن وقت در چنین محیطی، این جوانان در سطوح مختلف فکری و روحیه ای، دائم جایی میخواهند که به آن پناه ببرند. آقای ابوترابی همان کسی بوده که همه به او پناه می بردند. واقعاً از درون به انسان خیلی سخت میگذرد و خیلی کاهیده میشود؛ چون کسی که همه به او پناه میبرند، دلش میخواهد که او هم به جایی پناه ببرد. البته آن کسی که

اهل تقوا و توجه به خدا باشد، به خدا پناه میبرد و خدا را پیدا میکند؛ لیکن خیلی سخت است.» ۱۳۶۹/۶/۲۵ در واقع، امتیاز بزرگ آقای ابوترابی این بوده که مسیر درستی را در زندگی طی کرده است و رهبر انقلاب به همین نکته اشاره کرده اند: «به نظر من، کسی مثل شما که این همه توفیق الهی شامل حالش شده، حقیقتاً خیلی باید خدا را شاکر باشد. شما در همه ی مراحل سختی صبر کردید، خدا را در نظر داشتید، راهتان را خوب شناختید و درست حرکت کردید.» ۱۳۶۹/۶/۲۵

رهبر انقلاب در اولین دیدار حجت الاسلام ابوترابی پس از آزادی از اسارت این گونه فرمودند: «دیروز وقتی این خبر بسیار بسیار خوشحال کننده را دادند که شما آمده اید، واقعاً برای من یک مژده بود. خیلی وقت است که شما را ندیده ایم؛ حدوداً ده سال میشود. از آن سالها تا کنون، محاسن سفید شده است.» ۱۳۶۹/۶/۲۵

آشنایی حضرت آیت الله خامنه ای با آقای ابوترابی به دوران قبل از انقلاب برمی گردد. همچنین، آقای ابوترابی در ستاد جنگ های نامنظم شهید چمران عضویت و فعالیت داشت؛ همان جایی که آیت الله خامنه ای نیز همراه شهید چمران حضور داشتند: «ما همیشه شما را دوست داشته ایم و خاطرات با شما را فراموش نمیکنیم؛ چه قبل از انقلاب در مشهد، و چه بعد در تهران و سپس در همین اهواز در آن تشکیلاتی که مرحوم شهید چمران به وجود آورده بود. ایشان با عده ای به آنجا آمده بودند و گویی همین دیروز بود که بیرون ساختمان، پای پله ها با قبا نشسته بودند و در میان ترویج ها حضور داشتند و سپس به کوه های الله اکبر رفتند. من همان وقت در دلم گفتم که واقعاً خوش به حال این جوان؛ همیشه در راه جهاد و شهادت است. ایشان که رفتند، چند هفته ای هم بیشتر نشد که خبر شهادتشان آمد. گفته شد که آقای ابوترابی با آن جمع خودشان، دائماً در حال جلوگیری هستند؛ سپس دشمن حمله کرده و همه ی آنها را تار و مار نموده است. با شنیدن این خبر، غصه خوردیم. الحمدلله آنچه شما گذرانید، فضیلتش کمتر از شهادت نیست. خدا را شکر میکنیم که امتحان خیلی خوبی دادید.» ۱۳۶۹/۶/۲۵ لذا حجت الاسلام ابوترابی «پس از سالها حضور در میدانهای مبارزه ای دشوار با نظام طاغوتی، و پس از مشارکت شجاعانه در صحنه ی جنگ تحمیلی، سالهای درازی محنت اسارت در دست دشمن نابکار و فرومایه را چشید و مبارزه ای دشوارتر از گذشته را در اردوگاه هایی آغاز کرد که او در آنها همچون خورشیدی بر دلهای اسیران مظلوم میتابید، و چون ستاره ی درخشانی هدف و راه را به آنان نشان میداد، و چون ابری فیاض امید و ایمان را بر آنان میبارید.» ۱۳۷۹/۳/۱۲ رهبر انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۹۱، از اولین دیدار پس از آزادی آقای ابوترابی از اسارت این گونه روایت کرده اند:

«آن روزی که اول بار آزادگان عزیز وارد کشور شده بودند و یک جماعتی از آنها - شاید چند هزار نفر - در همین حسینیه خدمتشان رسیدیم و آنها را ملاقات کردیم و سید عزیز بزرگوارمان مرحوم آقای ابوترابی سخنرانی کرد، من از دیدن این منظره و این جوانها و بازیافت این ارزشهای بزرگ که برگشته بودند، قلبم خیلی متلاطم بود؛ گفتم که بدانید لحظه لحظه ی عمر شما در دیوان الهی محفوظ است. الان هم بر همان عقیده هستم؛ این لحظه لحظه ها پیش خدای متعال محفوظ است؛ لحظه هایی که قابل توصیف نیست، با هیچ بیانی نمیتوان عمق آن را آشکار کرد، و شما سالها چنین ساعات و لحظاتی را گذرانید.» ۱۳۹۱/۵/۲۵ اهمیت مجاهدت در دوران اسارت بدین خاطر است که «یک ملت عزتتش، قدرتش، صدرنشینی اش در تاریخ، به مجاهدت فرزندان بستگی دارد. این مجاهدت گاهی در جبهه است، گاهی در میدان اسارت است؛ با این قهرمانی هایی که شماها در میدان اسارت نشان دادید؛ این استقامتها، این ایستادگی ها.» ۱۳۹۱/۵/۲۵ رهبر انقلاب با تجلیل از مرحوم آقای ابوترابی فرمودند: «امیدواریم خدای متعال اجر شما را محفوظ بدارد و آن کسانی که در این دوران تأثیرگذار بودند، خدمتگزار بودند، دیگران را هدایت کردند، و در رأس همه سید بزرگوار عزیز ما مرحوم آقای ابوترابی، ان شاء الله خداوند درجاتشان را عالی کند.» ۱۳۹۱/۵/۲۵ و این نکته را متذکر شدند: «الحمدلله شما این سختی ها را تحمل کردید و خدا را شکر که پروردگار متعال تفضل کرد و با جسم و روح و فکر سالم برگشتید، تا ان شاء الله در بقیه ی مدت عمرتان - که امیدواریم خیلی هم با برکت و طولانی باشد - در خدمت اسلام و کشورتان باشید.» ۱۳۶۹/۶/۲۵

رهبر انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۹، حجت الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی را به عنوان نماینده ی ولی فقیه در امور آزادگان منصوب می کنند که متن این پیام به این شرح است: «... خدا را سپاسگزارم که دوران مرارت بار اسارت، آزادگان سرافراز عزیز ما را مستحکم تر و آماده تر و در مدار کمال انسانی، برتر و بالاتر ساخت و شما که قریب ده سال در کوره ی شدا بد گذاخته و جوهر پاک خود را نمایان ساخته و بر افتخار مجاهدات خود در دوران اختناق و پس از پیروزی انقلاب، فصل جدید و درخشانی افزوده اید، بحمدالله سهم و آفری از برکات برهه ی ده ساله داشته اید؛ و امید است همواره در صراط مستقیم حق و صدق که پوینده ی آن میباشید، به توفیقات الهی نائل گردید. اینجانب با توجه به خدمات جنابعالی در دوران ده ساله ی اسارت و آشنایی با مسائل آزادگان عزیز، شما را به نمایندگی خود در امور آزادگان منصوب میکنم تا با ایجاد رابطه ای مستمر و منضبط با آزادگان سرافراز، به تأمین نیازهای معنوی و فکری و حفظ روحیه ی انقلابی آنان بپردازید و در سایه ی همکاری با ستاد امور آزادگان و سایر مراجع و مراکز که در امر آزادگان فعالیت دارند، پیگیر نیازمندی های این



عزیزان باشید. ان شاء الله آزادگان عزیز که حقاً ذخایر این ملتند، بتوانند مسئولیت شرکت در بازسازی کشور و همکاری در پیشبرد جامعه‌ی انقلابی ما به سمت اهداف الهی و انقلابی را نیز به بهترین وجه به انجام برسانند. توفیقات شما و برادران شاغل در ستاد مزبور را از خداوند متعال خواستارم. (۱۳۶۹/۷/۷)

حجت الاسلام ابوترابی و پدر بزرگوارش در سال ۱۳۷۹ بر اثر سانحه‌ی رانندگی از دنیا می‌روند. رهبر انقلاب در پیام تسلیت این چنین فرمودند: «با اندوه و تأسف

فراوان خبر درگذشت عالم مجاهد خستگی ناپذیر، حجت الاسلام آقای حاج سیدعلی اکبر ابوترابی و پدر بزرگوارش آیت الله آقای حاج سیدعباس قزوینی ابوترابی را دریافت کردم. این پدر و پسر پارسا و پرهیزگار، در راه ضیافت بارگاه حضرت ابی الحسن الزمعه بودند که به لقاء الله و با فضل و کرم او به ضیافت اولیاء مقرب الهی نائل آمدند و ان شاء الله در بهشت رضای خداوند که پاداش یک عمر مجاهدت و صبر و استقامت و پاک دامن‌ی آنان است، مستقر گردیدند. (۱۳۷۹/۳/۱۲)

مرحوم آقای ابوترابی شخصیتی بودند که همواره در نگاه رهبر انقلاب مورد تجلیل و تعظیم قرار گرفته‌اند: «درد و صلوات مفرستیم بر روح مطهر مرحوم آقای ابوترابی که ستاد رسیدگی به امور آزادگان را ایشان تشکیل دادند. (۱۳۸۳/۱۲/۲۲) «پروندگان! شهدای دوران اسارت و درگذشتگان دوران اسارت و مرحوم مغفور آقای ابوترابی، عالم مجاهد و صبور و مدبر و بنده‌ی صالح خود را با اولیائت محشور کن. (۱۳۹۱/۵/۲۵)

■ پایان سرمقاله



آورده‌ی ابوترابی‌ها برای جامعه‌ی امروز ایران

روز جمعه ۷ شهریور ۱۴۰۴ مراسم بیستمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با عنوان رویداد ملی «آزادگان ایران»، در قزوین برگزار شد. در این مراسم، تقریظ حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای بر کتاب «پاسیاد پسر خاک» برای نخستین بار منتشر شد. نویسنده این کتاب آقای محمد قبادی در این کتاب، زندگی و زمانه حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی فرد را روایت کرده است.



«مرحوم حاج آقای ابوترابی یک شخصیت سهل و ممتنع است؛ یعنی خیلی ساده احساس می‌کنی او را شناخته‌ای و با او ارتباط می‌گیری اقا وقتی به درون این شخصیت می‌روی و نگاه می‌کنی، می‌بینی این آدم چقدر روح بزرگی دارد که همه جور آدمی را دور خودش جمع کند. و من معتقدم همین روحیه باعث شد که بچه‌های آزاده جانشان را از دوره‌ی اسارتشان به سلامت به در بزنند. چرا من به این شخصیت پرداختم؟ به واسطه‌ی دیدن حالات ایشان، دیدن رفتار ایشان و کردار ایشان در مسجد امام حسین تهران، به سمت ایشان کشیده شدم و همیشه برایم سؤال بود که این آدم کی است، چی است. این سؤال همیشه همراهم بود و وقتی هم که ایشان به رحمت خدا رفت، این سؤال برای من بزرگ‌تر شد.

نویسنده کتاب درباره گفت‌وگو با افرادی که همراه مرحوم ابوترابی در اردوگاه‌های بعثی بوده‌اند می‌گوید: «گفت‌وگو با بچه‌های آزاده راحت بود اما در میان کسانی که تجربه‌ی فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب را داشتند و آقای ابوترابی را می‌شناختند، افرادی بودند که گفت‌وگو با آن‌ها خیلی سخت بود. شاید فضای سیاسی دهه‌ی ۶۰ و مواضعی که آدم‌ها در دهه‌ی ۶۰ و در سال‌های ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب داشتند، باعث می‌شد که خیلی مایل نبودند در مورد آقای ابوترابی صحبت بکنند یا صریح حرف بزنند؛ به خاطر همین، بعضی‌ها ایشان به اصطلاح امروزی من را می‌پیچاندند یا در بیان

جزئیات طفره می‌رفتند و به کلی‌گویی‌ها اکتفا می‌کردند.»

قبادی درباره اهمیت شخصیت مرحوم ابوترابی برای مخاطب و جامعه‌ی امروز ما بیان داشت: «آن زندگی با چهارچوب‌های اخلاقی و انسانی که در چهار دیواری اسارت توانسته برای بچه‌های اسیر یا به تعبیر امروز ما و به حق، برای بچه‌های آزاده رقم خورد، می‌تواند در جامعه‌ی امروز ما هم رقم بخورد. اگر منش و کردار و گفتار آقای ابوترابی و ابوترابی‌ها در جامعه ساری و جاری بشود، حال جامعه را بسیار خوب می‌کند. یک جاهایی من احساس می‌کنم ما از آن فضای اخلاقی‌ای که دین می‌خواهد به ما منتقل بکند فاصله گرفته‌ایم؛ لذا اگر زندگی ابوترابی و ابوترابی‌ها را یک بازخوانی بکنیم، می‌توانیم تا یک حدی آن اخلاقیات و آن منش‌های انسانی را مرور بکنیم و یک جاهایی در خودمان به کار ببریم و یک جاهایی دستگیرمان بشود.

نویسنده کتاب درباره خلأ عاطفی، روحی و معنوی متأثر از رحلت آقای ابوترابی بر آزادگان بود گفت: پس از جنگ، آقای ابوترابی به عنوان پناهگاه و مرجع معنوی برای آزادگان شناخته می‌شدند. ایشان ملجأ و پناه بچه‌های آزاده بود و هنوز هم که هنوز است، گاهی وقت‌ها که با ایشان صحبت می‌کنیم، با یک حسرتی در مورد آقای ابوترابی حرف می‌زنند و می‌شود آن حسرت را کاملاً در کلماتشان و در صورتشان دید. من این را در مصاحبه‌هایم تجربه کردم و حتی یک جا هم این را نوشته‌ام. من در خیلی از مصاحبه‌ها که با یک نفری صحبت می‌کردم، وقتی در مورد یک اتفاق خوشایند در نسبت با

آقای ابوترابی صحبت می‌کرد، چهره‌ی این آدم ناخودآگاه بشاش می‌شد، ناخودآگاه لبخند می‌آمد روی صورتش. البته این هم از روی حسن درونی خودش بود؛ یعنی آدم می‌فهمید که اصلاً نقش بازی نمی‌کند. و وقتی مثلاً درباره‌ی یک اتفاق نامبارک و نامیمونی در نسبت با ایشان صحبت می‌کرد، ناخودآگاه صورتش پژمرده می‌شد.

قبادی همچنین درباره بازخورد اطرافیان، خانواده‌ی مرحوم ابوترابی از اعلام رضایت آنها درباره این کتاب خبر داد تا جایی که گفت: باید بی‌رودریاستی بگویم خیلی خوشحالم از اینکه خانواده‌ی آقای ابوترابی از این کار راضی بودند. اولین بار که این کتاب منتشر شد، حجت الاسلام آقا سید محمدحسن ابوترابی به من زنگ زد و بابت این کتاب از من تشکر کرد. این بهترین هدیه و بهترین خسته‌نابشید برای من بود، زیرا فهمیدم که نگاه من در این کتاب تا یک حد قابل توجهی نگاه درستی بوده یا نزدیک به واقعیت بوده. به هر حال، شناختی را که خانواده از آقای ابوترابی دارد، قاعدتاً من ندارم؛ ولی خوشحالم از اینکه احساس می‌کنم پسر آقای ابوترابی، همسر آقای ابوترابی، دختر خانم ایشان با اخوی‌های بزرگوارشان از این کتاب راضی‌اند و من، در گام نخست، توانستم آقای ابوترابی را معرفی کنم. البته یک چنین شخصیتی قاعدتاً با یک کتاب و یک پژوهش معرفی نمی‌شود اما حداقل پیش خودم راضی‌ام از اینکه یک چنین اتفاق مبارکی رقم خورد و اسم من با اسم آقای ابوترابی در یک جایی گره خورد؛ این را برای خودم یک اتفاق مبارک می‌دانم.

به صورت کلی هم، بازخوردهای مثبت و منفی بود. البته بازخوردهای منفی که می‌گویم، نقدهایی بود برای بهتر شدن کتاب و این طبیعت کار است، من هم از خیلی‌هایش استقبال کردم. بازخوردهای مثبت هم اگر بخواهم خیلی کلی‌گویی به آن اشاره بکنم، همین است که این کتاب تا الان به چاپ هفتم رسیده و امیدوارم که خواننده‌های بیشتری به کتاب اقبال نشان بدهند و این کتاب را بخوانند.

تقریظ حضرت آیت الله خامنه‌ای بر کتاب «پاسیاد پسر خاک»



تقریظ حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای بر کتاب «پاسیاد پسر خاک»
کتاب روایت زندگی و مبارزات شهید سیدعلی اکبر ابوترابی فرد در بیستمین
پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با عنوان رویداد ملی «آزادگان ایران»، روز ۷ شهریور
۱۴۰۴ در قزوین منتشر شد. متن دستخط رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

– زندگی این مجاهد فی سبیل الله در شمار پرحادثه‌ترین و درس‌آموزترین زندگی‌ها و
حقاً کم نظیر است. اول بار او را در سالهای اول دهه‌ی پنجاه در منزل خودمان در مشهد
زیارت کردم. شهید اندرزگو او را آورده بود و به او ابراز اعتماد کرد. پرسیدم شما با آقای
آقای سیدعباس قزوینی که از آشنایان ما در قم بود نسبتی دارید؟ گفت پسر اویم. پس از
آن یکبار در همان سالها او را در جلوزندان اوین دیدم و یکبار در جمع نیروهای اعزامی
قزوین در ستاد جنگهای نامنظم.

و پس از بازگشت از اسارت چند سال با ایشان همکاری نزدیک داشتیم. ولی این حجم
و کیفیت مجاهدت عالی را هیچکس نمیتوانست از ظاهر فروتن و کتوم او حدس
بزند. رحمت و رضوان الهی بر او. نمیتوانم تردید کنم در اینکه او در شمار شهیدان
عالی مقام است. این کتاب بسیار خوب و هنرمندانه تنظیم شده است. دست
نویسنده درد نکند.

بهمن ۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

– زندگی این مجاهد غییریه در شمار پرحادثه‌ترین و درس‌آموزترین زندگی‌ها و
حقاً کم نظیر است. اول بار او را در سالهای اول دهه‌ی پنجاه در منزل خودمان در مشهد
زیارت کردم. شهید اندرزگو او را آورده بود و به او ابراز اعتماد کرد. پرسیدم شما با آقای
آقای سیدعباس قزوینی که از آشنایان ما در قم بود نسبتی دارید؟ گفت پسر اویم. پس از
آن یکبار در همان سالها او را در جلوزندان اوین دیدم و یکبار در جمع نیروهای اعزامی
قزوین در ستاد جنگهای نامنظم.

و پس از بازگشت از اسارت چند سال با ایشان همکاری نزدیک داشتیم. ولی این حجم
و کیفیت مجاهدت عالی را هیچکس نمیتوانست از ظاهر فروتن و کتوم او حدس
بزند. رحمت و رضوان الهی بر او. نمیتوانم تردید کنم در اینکه او در شمار شهیدان
عالی مقام است. این کتاب بسیار خوب و هنرمندانه تنظیم شده است. دست
نویسنده درد نکند.

بهمن ۸۸

تک چهره



آرامگاه: حرم مطهری رضوی ۱۳۷۹-۱۳۸۸

«پاک باش و خدمتگزار»

سیدعلی اکبر ابوترابی فرد نمونه نادری از یک شخصیت مذهبی و مسئول و
درعین حال انسانی مهربان و مردمی بود؛ الگویی که سیاست امروز ما کم‌تر به چشم
دیده است. او در سخت‌ترین شرایط—از میدان نبرد تا سال‌های طولانی اسارت—
با تدبیر، صبری و سلوک اخلاقی توانست هم هم‌بندانش را متحد نگه دارد و هم
احترام دشمن را برانگیزد. تصمیم‌هایش در اردوگاه، مثل به عهده گرفتن مسئولیت
شرعی برای کار اجباری اسرا یا نوشتن متنی عاطفی درباره اسیری که خودکشی کرد،
نشان می‌دهد نگاهش همواره انسانی و جمعی بود، نه صرفاً فردی و فقهی.
سید در عین رأفت و مدارا، نسبت به خود سختگیر و اهل ریاضت بود؛ نماز شب،
تجهد و پرستاری از مجروحان برایش جدایی ناپذیر بود. در سیاست، حساس
به بیت‌المال و رعایت قانون بود و هیچ‌گاه اخلاق را فدای منفعت حزبی نکرد.
نقدهایش منصفانه و خیرخواهانه بود، حتی نسبت به قدرتمندترین مسئولان.
او چه در اردوگاه و چه در عرصه سیاسی و مذهبی، تلاش داشت سفره وحدت را پهن
کند و کدورت‌ها را بکاهد. به درستی می‌توان گفت در وجود ابوترابی ایمان و تدبیر،
شجاعت و محبت، اصول‌مندی و انعطاف توأمان جمع شده بود؛ شخصیتی که هم
محبوب اسرا بود هم وازآزمون‌های دشوار تاریخ با سربلندی بیرون آمد. او «پاک بود
و خدمتگزار».

به صرف کتاب



«پاسیاد پسر خاک» یکی از آثار برجسته ادبیات اسارت و
در واقع انقلاب و دفاع مقدس است که به زندگی و زمانه
مرحوم «حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی فرد»
می‌پردازد؛ روحانی وارسته‌ای که به دلیل هدایت و پشتیبانی
اسیران ایرانی در دوران جنگ تحمیلی، به لقب «سیدآزادگان»
شهرت یافت. این کتاب حاصل پژوهش شش ساله محمد
قبادی است، در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات سوره مهر منتشر
شد. مرحوم ابوترابی فرد شخصیتی است که زندگی‌اش سرشار
از مجاهدت، ایثار، مقاومت و تواضع بود. او در دوران مبارزات
پیش از انقلاب در کنار شخصیت‌هایی چون شهید اندرزگو
نقش‌آفرینی داشت و پس از انقلاب نیز در عرصه‌های مختلف
سیاسی، اجتماعی نقش‌ی تعیین‌کننده ایفا کرد. پس از شروع
جنگ و کسب اجازه از حضرت امام به جبهه رفت. پس از مدتی



«پاسیاد پسر خاک»

انتشارات: سوره مهر

نویسنده: محمد قبادی

۴۶۸

به ستاد جنگهای نامنظم می‌پیوندد و هم‌رزم شهید چمران می‌شود.

نزدیک به ده سال اسارت در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق برای او فرصتی بود تا منش انسانی
و معنوی خویش را به نمایش بگذارد. رفتارش با اسرا سرشار از مهربانی پدانه و روحیه بخش
بود؛ به گونه‌ای که هم‌زمانش در سخت‌ترین شرایط با تکیه بر صبر و ایمان او امید می‌یافتند.
حتی نگیانان بعضی نیز تحت تأثیر رفتار کریمانه‌اش قرار می‌گرفتند.

کتاب «پاسیاد پسر خاک» در دو بخش اصلی تدوین شده است. بخش نخست به زندگی
خانوادگی، دوران کودکی، تحصیلات حوزوی و فعالیت‌های سیاسی او در قم، نجف و تهران
پیش از انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این بخش همچنین مبارزات او علیه رژیم پهلوی و
ارتباطاتش با نیروهای انقلابی و امام خمینی روایت می‌شود. بخش دوم به مهم‌ترین و
تأثیرگذارترین فصل زندگی وی اختصاص دارد: حضور در جبهه‌ها، اسارت طولانی مدت در
عراق و نقش او به عنوان رهبر و مایه دلگرمی آزادگان. در ادامه، به مسئولیت‌های او پس از
آزادی پرداخته می‌شود؛ از جمله نمایندگی مقام معظم رهبری در امور آزادگان و نمایندگی
مجلس شورای اسلامی در دو دوره. این کتاب از اسناد، خاطرات و گفت‌وگوها، تصویری
مستند و واقعی از شخصیت و منش ابوترابی ارائه می‌دهد و سیر زندگی و مبارزات مرحوم
ابوترابی را از کودکی تا وفات بازگو کند. وی نماد صبر، استقامت و انسان دوستی است و نشان
داد که حتی در سخت‌ترین شرایط می‌توان با ایمان و اخلاق، بردل‌ها حکومت کرد و الگویی
برای نسل امروز و آینده است. این کتاب تاکنون هشت بار تجدید چاپ گردیده و رهبر معظم
انقلاب نیز بر آن تقریظی نوشته‌اند.